

فرایندهای واژه‌آفرینی در زبان زندان و ارتباط آن با متغیر جنسیت

آمنه مسن‌آبادی^{۱*}، بهزاد رهبر^۲، محمدرضا اروچی^۳

۱. دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی زنجان

۲. استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی زنجان

۳. استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی زنجان

پذیرش: ۱۳۹۸/۰۵/۰۷

دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۰۸

Word Creation Processes in Prison Language and their Relationship with the Gender Variable

Ameneh Masnabadi^{1*}, Behzad Rahbar², Mohammadreza Orojji³

1. Ph.D. in Linguistics, Islamic Azad University, Zanjan

2. Assistant Professor of Linguistics, Islamic Azad University, Zanjan

3. Assistant Professor of Linguistics, Islamic Azad University, Zanjan

Received: 2018/12/29

Accepted: 2019/07/29

Abstract

Studying prison language and its common words and expressions is of significance from sociological, psychological, linguistic and criminological points of view. In the present research, we aim to investigate the morphological aspect of language of prison and analyze the most important word-creation processes in this language based on Booij's (2007) differentiation between word-formation and word-creation processes. The data collection methods were objective observation and interviews with the prisoners. The data consisted of 615 terms common in male prisoners' language and 496 terms common in female prisoners' language (1111 in total), a total of 167 of which are results of word creation processes. The total number of interviewed prisoners was 70, 20 of whom were female from a prison in Rey, Iran, and 50 male prisoners from the Rajaei Shahr, Ghezal Hesar, Fashafuyeh, and Great Tehran prisons. The research findings suggested eight word creation processes in prison language: (1) metaphorical extension, (2) coinage, (3) reduplication, (4) shortening, (5) lexical borrowing, (6) clipping, (7) blending, and (8) abbreviation. After assessing the relationship between the application of these processes and the gender variable, it was found that there was a significant relationship between the two, and the gender factor affects the use of these processes among male and female prisoners.

Keywords: Prison language, Word creation, Word formation, Metaphorical extension, Coinage.

چکیده

مطالعه زبان زندان و واژه‌ها و اصطلاحات رایج در این زبان از نقطه‌نظر جامعه‌شناختی، روان‌شناختی، زبان‌شناختی و جرم‌شناختی دارای اهمیت است. در پژوهش پیش‌رو می‌کوشیم جنبه ساختارزایی این زبان را مورد توجه قرار داده و مهم‌ترین فرایندهای واژه‌آفرینی در زبان زندان را بر اساس تفکیکی که بوی (۲۰۰۷) میان فرایندهای واژه‌سازی و واژه‌آفرینی قائل می‌شود، بررسی کنیم. برای گردآوری داده‌های پژوهش از روش‌های مشاهده عینی و مصاحبه با زندانیان استفاده شده است. این داده‌ها شامل ۶۱۵ اصطلاح رایج در زبان زندانیان مرد و ۴۹۶ اصطلاح رایج در زبان زندانیان زن است (مجموع ۱۱۱۱ مورد) که در مجموع ۱۶۷ مورد از آنها حاصل فرایندهای واژه‌آفرینی هستند. تعداد کل زندانیانی که مورد مصاحبه قرار گرفتند ۷۰ نفر بود؛ از این تعداد، ۲۰ نفر آنها زن و همگی از زندان شهر ری بودند، ۵۰ نفر آنها مرد و از چهار زندان رجایی‌شهر، قزل‌حصار، فشافویه و تهران بزرگ بودند. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که در زبان زندان هشت فرایند واژه‌آفرینی کاربرد دارد که عبارتند از: (۱) گسترش استعاری؛ (۲) ابداع (یا نوآه‌سازی)؛ (۳) دوگان‌سازی (یا تکرار)؛ (۴) کوتاه‌سازی؛ (۵) وام‌گیری واژگانی؛ (۶) ترخیم؛ (۷) آمیزش؛ (۸) سرواژه‌سازی. پس از ارزیابی ارتباط کاربرد این فرایندها با متغیر جنسیت مشخص شد که ارتباط معناداری میان این دو مشاهده می‌شود و عامل جنسیت بر میزان استفاده زندانیان زن و مرد از این فرایندها تأثیر دارد.

کلیدواژه‌ها: زبان زندان، واژه‌آفرینی، واژه‌سازی، گسترش استعاری، نوآه‌سازی.

*Corresponding Author: : Ameneh Masnabadi

Email: a.masnabadi@yahoo.com

* نویسنده مسئول: آمنه مسن‌آبادی

مقدمه

گونه‌های زبانی که زندانیان به آن سخن می‌گویند و واژه‌ها و اصطلاحاتی که به‌ویژه در گفتگو با یکدیگر به کار می‌برند، موضوعی درخور توجه و پژوهش است. این گونه‌های زبانی گاه آن‌چنان با گونه‌های زبانی رایج در فضای بیرون از زندان متفاوت است که فهم آن برای افرادی که تجربه زندان ندارند و در معرض این گونه‌های زبانی نبوده‌اند دشوار می‌نماید. برای نمونه، اصطلاحات «باز بودن رأی»، «مشامی» و «حبس بلندگو» را می‌توان نام برد که پژوهشگران آنها را در گفتار زندانیان آزادشده در هنگام پیگیری امور اداری خود مشاهده کرده‌اند:

۱. خانم برای همسر من که شش ماه از حبسش مونده می‌تونی کاری کنی که **رأی باز شه**? (رای باز شدن: وضعیت زندانیانی که با حکم قاضی می‌توانند از زندان آزاد شوند ولی در عوض باید از صبح تا غروب در مکانی تحت کنترل کار کنند و بعد از آن آزادند که به خانه بروند)

۲. فالانی مواد می‌زنه، اونم **مشامی**! (مشامی: مواد مخدری که از طریق بینی استنشاق و مصرف می‌شود)

۳. شوهرم **حبس بلندگو** داره! (حبس بلندگو: حبسی که باید تا انتها تحمل شود و زندانی تمام مدت محکومیت خود را بدون هیچ عفوی در زندان بماند)

علاوه بر این، پژوهشگران در اثنای مطالعات و پژوهش‌های خود به برخی از موارد ضرب و جرح و خودزنی ناشی از سوءتفاهم‌های ایجادشده در هنگام گفتگوی زندانیان با یکدیگر یا موارد متعددی از عدم وجود تفاهم و تعامل بین زندانی آزادشده با جامعه معیار برخورد کرده‌اند.

ما در این مطالعه گونه‌های زبانی رایج در زندان و در میان زندانیان را با اصطلاح «زبان زندان» مورد اشاره قرار می‌دهیم ولی این بدان معنا نیست که این گونه‌های زبانی با سایر گونه‌های زبانی موجود در جامعه کاملاً متمایز است. بی‌گمان برخی از اصطلاحات و واژه‌های رایج در زبان زندان در برخی دیگر از گونه‌های زبانی جامعه و به‌ویژه در میان بزهکاران و نوجوانان نیز یافت می‌شود و مختص به زبان زندان نیست. با این حال، از آنجا که پژوهش حاضر روی زندانیان و در محیط زندان انجام شده است و هدف اصلی ما شناسایی و بررسی جنبه ساختارزایی این گونه‌های زبانی است، توجه خود را معطوف به زبان زندان کرده‌ایم و وارد بحث ارتباط این زبان با سایر

گونه‌های زبانی رایج در جامعه نشده‌ایم. دلیل چشم‌پوشی از این موضوع این است که مقصود نهایی ما رسیدن به درک بهتر از زبان زندان و ابعاد گوناگون آن است با این هدف که بتوانیم مشکلات و تبعات ناشی از عدم فهم متقابل میان زندانیان و مسئولان زندان از یک سو و زندانیان و مددکاران و مشاوران از سوی دیگر را از طریق شناخت هر چه بهتر زبان زندان به حداقل برسانیم. البته در مطالعات دیگر به بررسی سایر ابعاد این گونه‌های زبانی پرداخته‌ایم یا در آینده خواهیم پرداخت.

مطالعه زبان زندان هم حائز اهمیت است و هم ارزشمند؛ نه تنها به خاطر اینکه اهمیت زبان را در نزد زندانیان برای کنار آمدن با شرایط زندگی در زندان نشان می‌دهد، بلکه به خاطر اینکه به ما کمک می‌کند کارکردهای اجتماعی زبان را بهتر و بیشتر بشناسیم (مایر^۱، ۲۰۱۳: ۴۶۶۶). به باور مایر (۲۰۱۳: ۴۶۶۶) فرهنگ و زبان حاکم بر زندان تأثیر بسزایی بر رفتار زندانیان دارد و از این رو، اگر مسئولان زندان و مسئولان قضایی به مطالعه دقیق زبان زندانیان بپردازند و با آگاهی از این زبان با زندانیان رفتار کنند می‌توان تا اندازه زیادی از بروز خشونت و ناهنجاری در زندان‌ها جلوگیری کرد. در نتیجه، آشنایی با زبان زندان و شناخت جنبه‌های آوایی، ساختارزایی، نحوی و معنایی آن را می‌توان گامی مهم در راستای اصلاح زندان و بهبود وضع و رفتار زندانیان به شمار آورد.

با توجه به اهمیت موضوع و نظر به خلأ مطالعات زبان‌شناختی بر روی زبان زندان در داخل کشور، در پژوهش حاضر می‌کوشیم به جنبه ساختارزایی این گونه‌های زبانی بپردازیم، مهم‌ترین فرایندهای واژه‌آفرینی در این گونه‌های زبانی را براساس رویکرد بوی (۲۰۰۷) واکاوی نماییم و ارتباط آنها با متغیر اجتماعی جنسیت را مورد ارزیابی قرار دهیم. بر این اساس، پرسش‌های اصلی پژوهش عبارتند از: (۱) فرایندهای واژه‌آفرینی فعال در زبان زندان کدامند؟ (۲) ارتباط این فرایندها با متغیر جنسیت چگونه است؟

این مقاله از پنج بخش تشکیل شده است. در بخش نخست، به بیان مساله و اهمیت و ضرورت آن پرداختیم. در بخش دوم، مروری کوتاه بر پیشینه پژوهش خواهیم داشت. در بخش سوم، پایگاه نظری پژوهش را معرفی خواهیم کرد. در بخش چهارم، روش نمونه‌برداری، نمونه‌های مورد

زندان پرداخته و با مطالعه مهم‌ترین مشخصه‌های زبان زندان و کارکردهای اجتماعی آن، نتیجه گرفته است که فرهنگ و زبان حاکم بر زندان تأثیر شدیدی بر رفتار زندانیان دارد و اگر مسئولان زندان و مسئولان قضایی به مطالعه دقیق زبان زندانیان بپردازند می‌توانند به درک بهتری از رفتار و اعمال زندانیان برسند و این نخستین گام برای پیشگیری از بروز خشونت در زندان است. لوسر (۲۰۰۴) از طریق مصاحبه با زندانیان زندان‌های نیویورک به گردآوری بیش از ۳۰۰۰ واژه و اصطلاح رایج در زبان این زندانیان طی سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۰ پرداخته است. وی در واژه‌نامه خود علاوه بر اصطلاحات و تعاریف آنها، تا حد ممکن به بررسی خاستگاه و ریشه این اصطلاحات نیز پرداخته و برای هر یک از اصطلاحات، مثال‌هایی از زبان زندانیان ارائه داده است.

با وجود پژوهش‌های بسیاری که در کشورهای دیگر و زبان‌های دیگر بر روی زبان زندان و ابعاد گوناگون آن انجام گرفته است، تا جایی که نگارندگان اطلاع دارند در کشور ایران و زبان فارسی تاکنون تنها دو پژوهش زبان‌شناختی بر روی این موضوع انجام شده است. یکی از این پژوهش‌ها مربوط به پایان‌نامه کارشناسی ارشد مسن‌آبادی (۱۳۹۰) است که در آن به بررسی زبان زندانیان مرد در سه زندان اوین، قزل‌حصار و ندامتگاه فردیس از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی پرداخته است. وی ضمن بررسی تأثیر محیط زندان بر زبان زندانیان، نموده‌های زبان‌شناختی آن را در سطوح معنایی، واژی و آوایی تحت تأثیر جامعه زندان مورد مطالعه قرار داده و دریافته است که محیط و شرایط حاکم بر زندان سبب بروز تغییرات معنایی، واژی و آوایی در گفتار زندانیان می‌شود. پژوهش دیگر، کتاب رهبر و مسن‌آبادی (۱۳۹۵) است. این پژوهشگران با رویکرد زبان‌شناسی اجتماعی به مطالعه زبان زندان پرداخته‌اند و کوشیده‌اند از این رهگذر به شناخت بهتر و بیشتری از لایه‌های زیرین جامعه زندان و درک کامل‌تری از نقش‌های زبان دست یابند. آنها مجموعه‌ای از واژه‌ها و اصطلاحات مورد استفاده در زبان زندانیان مرد در چند زندان استان تهران را گردآوری کرده و مهم‌ترین ویژگی‌های واجی، ساختاری و معنایی آنها را بررسی نموده‌اند.

گرچه زبان زندان در ایران تاکنون تا اندازه زیادی مورد غفلت پژوهشگران حوزه جامعه‌شناسی قرار گرفته است، پژوهشگران حوزه جامعه‌شناسی موضوع زندان و زندانیان را مورد توجه قرار داده‌اند و به بررسی جنبه‌هایی از زندگی در

بررسی، روش گردآوری داده‌ها و روش پژوهش را شرح خواهیم داد. در بخش پنجم، به تحلیل و بررسی داده‌ها خواهیم پرداخت و فرایندهای واژه‌آفرینی فعال در زبان زندان را واکاوی خواهیم کرد. در بخش ششم، نتیجه‌گیری پژوهش را ارائه خواهیم نمود.

پیشینه پژوهش

زبان زندان تاکنون از جنبه‌ها و زوایای گوناگون مورد بررسی پژوهشگران قرار گرفته است. برای نمونه، واژه‌نگارانی چون گرین^۱ (۲۰۱۱) و لایت^۲ (۱۹۹۴)، واژه‌ها و اصطلاحات رایج در زبان زندانیان را وارد واژه‌نامه‌ها کرده‌اند؛ جامعه‌شناسان و جرم‌شناسانی چون باندسون^۳ (۱۹۸۹) و اینات و اینات^۴ (۲۰۰۰)، زبان زندان را از دیدگاه جامعه‌شناختی و جرم‌شناختی بررسی کرده و آن را برای ترسیم نقشه نظام اجتماعی زندان به کار برده‌اند؛ مردم‌شناسان و زبان‌شناسانی مانند انسناس^۵ (۲۰۰۱)، لوسر^۶ (۲۰۰۴) و مایر (۲۰۱۳)، به بررسی کارکردهای ارتباطی، اجتماعی و فرهنگی زبان زندان پرداخته‌اند؛ روان‌شناسانی چون متیو^۷ (۲۰۱۳)، آن را از دیدگاه روان‌شناختی مورد بررسی قرار داده‌اند؛ تحلیل‌گران گفتمانی همچون مایر (۲۰۰۴) نیز به تحلیل گفتمان حاکم بر زندان پرداخته‌اند.

سالمین^۸ (۲۰۱۶) به بررسی گونه واژگانی مورد استفاده توسط زندانیان زن در کشور سوازیلند در جنوب آفریقا پرداخته است. هدف این پژوهش بررسی این موضوع بوده است که آیا زندانیان زن برای آنکه خود را جدا از جامعه معیار (جامعه غالب) نشان دهند دست به تغییر واژه‌های زبان خود می‌زنند و اصطلاحاتی به کار می‌برند که افراد خارج از جامعه زندان قادر به درک آنها نباشند یا خیر. یافته‌های پژوهش نشان داد که این زندانیان از واژه‌ها و اصطلاحاتی استفاده می‌کنند که زندانبانان، افسران پلیس و مردم بیرون از جامعه زندان نتوانند زبان آنها را متوجه شوند. دلیل این کار عمدتاً این است که زندانیان می‌خواهند هویت زبانی مستقلی داشته باشند و خود را مستقل و جدا از اولیاء امور زندان نشان دهند. مایر (۲۰۱۳) به بحث پیرامون زبان

1. J. Green
2. J. E. Lighter
3. U. V. Bondeson
4. T. Einat & H. Einat
5. G. Encinas
6. D. Looser
7. D. Mathew
8. L. Simelane

را مطرح می‌کند. وی علاوه بر این دو دسته از فرایندها، وام‌گیری واژگانی^{۱۲} را نیز یکی دیگر از شیوه‌های خلق واژه‌های نو در یک زبان به شمار می‌آورد.

البته گفتنی است که بوی (۲۰۰۷: ۲۰) تنها چهار فرایند کوتاه‌سازی، ترخیم، سرواژه‌سازی و آمیزش را جزو فرایندهای واژه‌آفرینی ذکر کرده است، ولی ما به پیروی از رضوی و قطره (۱۳۹۳) چهار فرایند گسترش استعاری، ابداع، دوگان‌سازی و وام‌گیری واژگانی را نیز جزو فرایندهای واژه‌آفرینی به حساب می‌آوریم زیرا الگوهای حاکم بر آنها برخلاف فرایندهای واژه‌سازی، قاعده‌مند نیست و دارای تنوع و عدم قطعیت بسیار است.

در ادامه هریک از فرایندهای هشت‌گانه واژه‌آفرینی را معرفی کرده و نمونه‌هایی از آنها را ارائه می‌دهیم:

۱- **گسترش استعاری:** در این فرایند یک واژه موجود در زبان، به صورت استعاری برای اشاره به مفهوم دیگری به کار می‌رود که به گونه‌ای با مفهوم اصلی آن واژه دارای شباهت و ارتباط است. در گسترش استعاری معمولاً حرکت از مفهوم عینی‌تر به سوی مفهوم انتزاعی‌تر صورت می‌گیرد، بدین ترتیب که برای بیان مفهومی انتزاعی همچون «زمان» با بهره‌گیری از استعاره «زمان مکان است»، این مفهوم را به کمک مفهوم «مکان» که عینی‌تر است بیان می‌کنیم. یعنی درواقع از مفهوم عینی مکان برای درک مفهوم انتزاعی زمان کمک گرفته‌ایم (نغزگوی کهن و راسخ‌مهند، ۱۳۹۱: ۱۲۲-۱۲۱). گسترش استعاری را می‌توان یکی از ساده‌ترین و در دسترس‌ترین فرایندهای واژه‌آفرینی دانست زیرا در واقع مستلزم ابداع یا ایجاد یک واژه جدید نیست، بلکه تنها کافیست که معنای یک واژه جدید را گسترش دهیم و آن را برای اشاره به چیزی به کار ببریم که پیشتر جزو معانی آن واژه نبوده است.

۲- **ابداع:** فرایند ابداع (که آن را نوواژه‌سازی نیز می‌گویند) فرایندی است که طی آن گویشوران یک زبان واژه‌ای را خلق می‌کنند که پیشتر در زبان وجود نداشته و هیچ واژه خویشاوندی هم برای آن نمی‌توان یافت (شقاقی، ۱۳۸۹: ۱۰۳).

۳- **دوگان‌سازی:** در فرایند دوگان‌سازی، تمام یا بخشی از واژه پایه تکرار می‌شود و به صورت پیشوند یا پسوند به پایه افزوده می‌گردد (بوی، ۲۰۰۷: ۳۵). حاصل این فرایند، واژه جدیدی است که معنایی متفاوت از معنای پایه دارد.

زندان و مسائل پیرامون آن پرداخته‌اند. از کارهایی که در این زمینه انجام گرفته است می‌توان عبدی (۱۳۸۷)، شمس (۱۳۸۲، ۱۳۸۷ و ۱۳۹۲) و نیز هاشمی (۱۳۸۸) را نام برد که به دلیل عدم ارتباط کار آنها با محور مقاله، از بحث بیشتر پیرامون آنها خودداری می‌کنیم.

تنها پژوهشی که بر اساس رویکرد بوی (۲۰۰۷) به حوزه ساختواژه و براساس تمایز میان فرایندهای واژه‌سازی و واژه‌آفرینی در زبان فارسی انجام شده مربوط به رضوی و قطره (۱۳۹۳) است. این پژوهشگران در پژوهش خود فرایندهای واژه‌آفرینی را در گونه گفتاری زبان فارسی مورد مطالعه قرار داده و دریافته‌اند که فرایندهای کوتاه‌سازی^۱، گسترش استعاری^۲، وام‌گیری، قیاس، ابداع، تبدیل عبارت به واژه و آمیزش به ترتیب بیشترین کاربرد را در گونه گفتاری زبان فارسی دارند.

پایگاه نظری

یکی از مهم‌ترین حوزه‌های مطالعات زبان‌شناسی، حوزه ساختواژه است که در آن به بررسی الگوها و فرایندهای واژه‌سازی و ارتباط میان صورت و معنای واژه‌های غیربسیط^۳ در زبان‌ها پرداخته می‌شود. بوی^۴ (۲۰۰۷: ۱۳ و ۲۰) فرایندهایی که در ایجاد واژه‌های جدید به کار می‌روند را به دو دسته کلی تقسیم می‌کند: ۱) فرایندهای واژه‌سازی^۵ که شامل اشتقاق (وندافزایی) و ترکیب می‌شود؛ ۲) فرایندهای واژه‌آفرینی^۶ که مواردی همچون نوواژه‌سازی^۷، آمیزش^۸، سرواژه‌سازی^۹، الفباسازی^{۱۰} و ترخیم^{۱۱} را دربرمی‌گیرد. وی فرایندهای واژه‌سازی را بخشی از نظام ساختواژی یک زبان می‌داند که در آنها برای ایجاد واژه‌های نو از الگوهای قاعده‌مند استفاده می‌شود، در حالی که فرایندهای واژه‌آفرینی را آن فرایندهایی می‌داند که فاقد قواعد مشخص و دقیق‌اند. بر این پایه، بوی (۲۰۰۷) تنها منبع تولید واژه‌ها در زبان را فرایندهای واژه‌سازی نمی‌داند و با ارائه نگاهی متفاوت و بی‌سابقه به حوزه ساختواژه، در کنار آن فرایندهای واژه‌آفرینی

1. shortening
2. metaphorical extension
3. complex words
4. G. Booij
5. word formation
6. word creation (or word manufacturing)
7. coinage
8. blending
9. acronym
10. alphabetism
11. clipping

12. lexical borrowing

از زبان یا گویشی دیگر (= زبان وام‌دهنده یا مبدأ) قرض می‌گیرند و این واژه‌ها به گنجینه‌ی واژگانی زبان آنها (= زبان وام‌گیرنده یا مقصد) افزوده می‌شود (شقاقی، ۱۳۸۹: ۱۲۷). در زبان فارسی وامواژه‌های بسیاری از زبان‌های گوناگون چون انگلیسی، فرانسه، ترکی، عربی و غیره وجود دارد که نمونه‌هایی از آنها عبارتند از: سیستم، کامپیوتر، پرینتر، مانیتور، کیبورد.

۷- آمیزش: در فرایند آمیزش دو (یا گاهی بیش از دو) واژه با هم درمی‌آمیزند و یک واژه جدید حاصل می‌شود که بخش‌هایی از هر دو واژه را در خود دارد. واژه حاصل از این فرایند را واژه آمیخته می‌نامند. نمونه‌هایی از واژه‌های آمیخته در زبان انگلیسی عبارتند از:

smoke + fog = smog
motor + hotel = motel

(پلاگ، ۲۰۰۳: ۱۲۲)

نمونه‌هایی از فرایند آمیزش در زبان فارسی را در واژه‌های زیر می‌توان دید:

انسدادی + سایشی ← انسایشی

خنده + هندوانه ← خندوانه

خصوصی + دولتی ← خصولتی

۸- سرواژه‌سازی: فرایندی است که در آن حروف نخست چند واژه کنار هم قرار می‌گیرند و واژه‌ای را می‌سازند که واج‌های آن می‌تواند به صورت پیوسته یا گسسته تلفظ شود. برای نمونه، در زبان فارسی واژه‌های آژفا (آموزش زبان فارسی) و اتکا (اتحادیه تعاونی‌های کارکنان ارتش) سرواژه‌هایی هستند که به صورت پیوسته تلفظ می‌شوند (شقاقی، ۱۳۸۹: ۱۰۹). واژه BBC^۳ در انگلیسی سرواژه‌ای است که تلفظ آن به صورت گسسته و حرف به حرف است، یعنی بی بی سی.

روش پژوهش

این پژوهش بر روی زبان زندانیان زن و مرد در پنج زندان شهر ری، رجایی‌شهر، قزل‌حصار، فشافویه و تهران بزرگ واقع در استان‌های تهران و البرز انجام گرفته است. انتخاب این پنج زندان به صورت گزینشی و به خاطر دسترسی آسان برای پژوهشگران بوده و داده‌های پژوهش برگرفته از گفتار زندانیانی است که به مدت بیش از ۵ سال برای تحمل کیفرشان در این زندان‌ها به سر می‌برده‌اند.

دوگان‌سازی می‌تواند کامل یا ناقص و افزوده یا نافزوده باشد، مانند:

تکه‌تکه، پرسیان‌پرسیان، وزوز (کامل نافزوده)

لنگ‌لنگان، جیرجیرک، هول‌هولکی (کامل افزوده)

مزمزه، چرت و پرت، لباس مباس (ناقص)

(شقاقی، ۱۳۸۹: ۱۰۲-۹۹)

۴- کوتاه‌سازی: در فرایند کوتاه‌سازی، هجا یا هجایی از ابتدا، وسط یا پایان یک واژه حذف می‌شود و واژه دیگری به دست می‌آید. اگر حذف از بخش‌های آغازی یا میانی واژه صورت گیرد، فرایند را کوتاه‌سازی می‌نامند؛ ولی اگر از پایان واژه صورت گیرد، آن را ترخیم می‌گویند (شقاقی، ۱۳۸۹: ۱۰۶). نمونه‌هایی از واژه‌های کوتاه‌شده و مرخم در زبان انگلیسی عبارتند از:

airplane → plane (کوتاه‌سازی آغازی)

influenza → flu (کوتاه‌سازی آغازی و پایانی هم‌زمان)

advertisement → ad (ترخیم)

(کریستال^۱، ۲۰۰۳: ۱)

در زبان فارسی نمونه‌های اندکی از این فرایند را می‌توان دید که نمونه‌هایی از آن به شرح زیر است:

خداحافظ ← خدافظ (کوتاه‌سازی میانی)

اینترنت ← نت (کوتاه‌سازی آغازی)

سیاوش ← سیا (ترخیم)

۵- ترخیم: گونه خاصی از فرایند کوتاه‌سازی است که در آن بخش‌هایی (واج‌هایی) از انتهای یک واژه حذف می‌گردد و در نتیجه واژه کوتاه‌تر می‌شود. نمونه‌هایی از فرایند ترخیم در زبان انگلیسی عبارتند از:

laboratory → lab

introduction → intro

advertisement → ad

(پلاگ^۲، ۲۰۰۳: ۱۲۱)

مثال‌هایی از فرایند ترخیم در زبان فارسی عبارتند از:

آزمایشگاه ← آز

جوجه کباب ← جوج

۶- وام‌گیری: یکی از راه‌های گسترش واژه‌های زبان، وارد کردن عناصر واژگانی از دیگر زبان‌ها یا گویش‌هاست. این کار را وام‌گیری واژگانی می‌نامند. گویشوران زبان‌ها بنا به ضرورت و به منظور برآوردن نیازهای زبانی خود واژه‌هایی را

3. British Broadcasting Corporation (BBC)

1. D. Crystal

2. I. Plag

بررسی داده‌ها

در این بخش به بررسی و تحلیل واژه‌هایی از زبان زندان می‌پردازیم که حاصل فرایندهای واژه‌آفرینی هستند و تعداد آنها ۱۶۷ مورد است. ابتدا مهم‌ترین فرایندهای واژه‌آفرینی دخیل در ساخت این واژه‌ها را بررسی می‌کنیم و سپس ارتباط آنها با متغیر جنسیت را مورد ارزیابی قرار می‌دهیم. شایان ذکر است که به منظور بررسی هرچه دقیق‌تر و گسترده‌تر فرایندهای واژه‌آفرینی در زبان زندان، همه واژه‌های رایج در این زبان را مورد توجه قرار داده‌ایم و تمایز و تفکیکی میان واژه‌های مختص به زبان زندان با واژه‌های مشترک با سایر گونه‌های زبانی قائل نشده‌ایم. از آنجا که هدف ما رسیدن به درکی بیشتر و بهتر از زبان زندان است، این زبان را با همه کلیت آن در نظر گرفته‌ایم و اشتراکات آن با دیگر گونه‌های رایج در جامعه را کنار نگذاشته‌ایم. از این رو، برخی از واژه‌های ارائه‌شده و بررسی‌شده در این بخش ممکن است در سایر گونه‌های زبانی نیز رواج داشته باشد و این موضوع نه تنها خللی در تحلیل‌ها وارد نمی‌کند بلکه ما را در رسیدن به هدف نهایی خود که همانا شناخت هرچه بیشتر و دقیق‌تر گونه زبانی رایج در زندان است یاری می‌کند.

فرایندهای واژه‌آفرینی در زبان زندان

بررسی واژه‌های رایج در زبان زندان نشان می‌دهد که مهم‌ترین فرایندهای واژه‌آفرینی در این زبان عبارتند از: (۱) گسترش استعاری؛ (۲) ابداع (یا نوواژه‌سازی)؛ (۳) دوگان‌سازی^۱ (یا تکرار)؛ (۴) کوتاه‌سازی؛ (۵) وام‌گیری واژگانی؛ (۶) ترخیم؛ (۷) آمیزش؛ (۸) سرواژه‌سازی.

گسترش استعاری

گسترش استعاری پرکاربردترین فرایند واژه‌آفرینی در زبان زندان است. در اینجا برخی از واژه‌هایی که در زبان زندان دستخوش گسترش استعاری شده‌اند را ارائه می‌دهیم.

- چلغوز (= فضلۀ پرنندگان). استعاره برای فرد بی‌خاصیت و به‌دردنخور.

- آتن: خبرچین، جاسوسی که اخبار داخل بند را به نگرهبانی منتقل می‌کند.

- دستمال: فرد چاپلوس.

- دکتر: کسی که مواد را به دیگری تزریق می‌کند.

- ولنجک: جای خوب و تر و تمیز در اتاق زندانیان را گویند.

نمونه‌برداری از جامعه هدف به روش گزینشی انجام گرفته است؛ بدین صورت که پس از تعیین زندان مورد نظر، برای گردآوری داده‌ها از روش‌های مبتنی بر مشاهده عینی از طریق حضور در محل، مصاحبه و یادداشت‌برداری استفاده شده است. البته در برخی موارد، مشاهدات توسط دستگاه ضبط صوت صدابرداری شده است. مصاحبه با ۲۰ زندانی زن از زندان شهر ری (که زندان ویژه بانوان است) و ۵۰ زندانی مرد از زندان‌های رجایی‌شهر (۱۰ نفر)، قزل‌حصار (۱۵ نفر)، فشافویه (۱۰ نفر) و تهران بزرگ (۱۵ نفر) انجام گرفت. شیوه گردآوری داده‌ها به این صورت بود که ابتدا برگه‌هایی در اختیار ۵۰ زندانی مرد و ۲۰ زندانی زن قرار گرفت و از آنها خواسته شد که با هم‌فکری و گفتگو با هم‌بندان خود هر آنچه از واژه‌ها و اصطلاحاتی که در زبان روزمره خود در زندان به کار می‌برند را یادداشت نمایند. پس از انجام این مرحله، برگه‌ها جمع‌آوری گردید و دو فهرست از واژه‌ها و اصطلاحات تهیه شد (یکی برای مردان و دیگری برای زنان). سپس هر فهرست در اختیار همان افراد قبلی از جنس مخالف داده شد و از آنها خواسته شد که واژه‌های رایج در گفتار روزمره خود را علامت‌گذاری نمایند. این مرحله به صورت گروهی انجام شد و با افراد در دسته‌های سه‌نفره گفتگو و مصاحبه پیرامون واژه‌ها و معنا و بافت کاربردی آنها انجام گرفت. در حین مصاحبه و از لابلای گفتگوهای خود این مصاحبه‌شوندگان با یکدیگر گاه واژه‌ها و نکته‌های قابل توجهی به چشم می‌خورد که آنها نیز از طریق ضبط صدا و یادداشت‌برداری ثبت می‌شدند. دلیل ارائه فهرست واژه‌های گردآوری شده از زندان زنان به زندانیان مرد و بالعکس این بود که با اطمینان بیشتری بتوانیم درباره تأثیر جنسیت در کاربرد این واژه‌ها و اصطلاحات رایج سخن بگوییم. در نهایت تعداد ۶۱۵ مورد از واژه‌ها، اصطلاحات و عبارات به‌کاررفته در زبان زندانیان مرد و ۴۹۶ مورد از زبان زندانیان زن به دست آمد (در مجموع ۱۱۱۱ مورد) که پس از انجام تحلیل ساختواژی مشخص شد ۱۶۷ مورد از آنها حاصل فرایندهای واژه‌آفرینی هستند. سپس بررسی نهایی روی این ۱۶۷ واژه انجام شد، انواع فرایندهای واژه‌آفرینی دخیل در ساخت آنها شناسایی و دسته‌بندی گردید و در نهایت ارتباط این فرایندها با متغیر جنسیت مورد ارزیابی قرار گرفت.

- تاتاری /tātāri/ حرکت دسته‌جمعی عده‌ای از زندانیان در داخل زندان برای انجام کارهایی مانند تهدید، دعوا و غیره
- تُرکمون /torkamun/ بی‌خیال، بی‌تفاوت، بی‌کفایت

فرایند دوگان‌سازی

نمونه‌هایی از واژه‌های دوگان‌ساخته در زبان زندان به شرح زیر است:

- آش‌ولاش /pāš o lāš/: درب و داغون، بی‌سروپا، آدم‌های بی‌نظم و کثیف و نامرتب
- بی‌خی‌خی /bi:xi:xi/: بی‌خیال! ندید بگیری
- شروپر /šer o per/: اسباب و وسایل
- عنترومنتر /Pantar o mantar/: کسی که مضحکه و مسخره دیگران می‌شود
- لول لول /lu:l e lu:l/: خوش‌خوش بودن، نشسته بودن
- قروقاطی /qar o qāti/: درهم‌وبرهم، ناموزون
- کرکره /kerkere/: کراک، هروئین فشرده
- خطخطی /xat xati/: کسی که به وسیله چاقو مجروح شده باشد

لازم به توضیح است که واژه «بی‌خی‌خی» همزمان حاصل دو فرایند است: فرایند کوتاه‌سازی که منجر به حذف هجای پایانی واژه می‌شود (بی‌خیال ← بی‌خی) و فرایند دوگان‌سازی ناقص که منجر به تکرار هجای دوم واژه «بی‌خی» می‌گردد (بی‌خی ← بی‌خی‌خی). به نظر می‌رسد واژه «کرکره» نیز حاصل دو فرایند همزمان کوتاه‌سازی و دوگان‌سازی کامل باشد؛ بدین صورت که ابتدا دو واج پایانی «کراک» حذف شده و تبدیل به «کر» می‌گردد، سپس «کر» تکرار می‌شود و واج «ه» به آن افزوده می‌شود:

کراک ← کر + کر + ه ← کرکره

البته چنین می‌نماید که وجود واژه «پرده» کرکره در زبان فارسی در این فرایند بی‌تأثیر نبوده است و زندانیان به منظور پنهان‌سازی منظور و نیت خویش، واژه «کراک» را به گونه‌ای دستکاری کرده‌اند که به واژه دیگری از زبان شبیه شود.

فرایند کوتاه‌سازی

در جدول ۱ نمونه‌هایی از واژه‌های کوتاه‌شده در زبان زندان ارائه گردیده است. گفتنی است که واژه‌های مرخم را در این جدول نیاورده‌ایم و آنها را در بخش بعدی به‌صورت مجزا ارائه و بررسی می‌کنیم.

- میخ: کسی که با حضور خود مزاحم کار دیگران باشد.
- موال (= توال): آدم‌های به‌دردنخور، تن‌پرور و بی‌مصرف که رعایت انضباط و نزاکت را نمی‌کنند و دیگران هم نسبت به وجود آنها بی‌تفاوتند.

- الگو: دستبندی که به دست زندانی یا متهم می‌زنند.
- مصالح‌فروش: کسانی که در فروش هروئین تقلب کرده و چیز دیگری را به جای هروئین به معتاد می‌دهند (مانند قرص و غیره...).

- کلید: مامور انتظاماتی که وظیفه باز و بسته کردن درها را دارد.
- شهردار: کسی که مسئول شستن ظروف، آماده‌سازی چای، جارو کردن اتاق و گرفتن غذای افراد هم‌خرج است؛ معمولاً هر روز یک نفر مسئولیت این کار را بر عهده می‌گیرد.

- جوشکار: فردی که رابط میان زندانیان است.
- فسیل: فرد پیر و پژمرده/ازکارافتاده.
- آمپر چسپاندن: بسیار عصبانی شدن.
- آمار گرفتن: خبر و اطلاع کسب کردن.

همه واژه‌های فوق جزو واژه‌های موجود (و تا اندازه‌ای رایج) در زبان فارسی معیار هستند. این واژه‌ها در زبان زندان نیز به کار می‌روند اما نه برای اشاره به معنایی که در زبان فارسی معیار دارند، بلکه برای اشاره به مفاهیم مرتبط با زندان و شرایط و مناسبات حاکم بر آن.

ابداع

ابداع یا نوواژه‌سازی، یکی دیگر از فرایندهای واژه‌آفرینی رایج در زبان زندان است هرچند کاربرد آن به مراتب کمتر از فرایند گسترش استعاری است. برخی از نوواژه‌های زبان زندان که در گفتار زندانیان رواج دارد عبارتند از:

- تفه /toffe/: پول و موجودی نقدی
- سواریه /savāriye/: فرد روستایی
- سیس /sis/: قیافه، چهره
- گاردونی /gārduni/: محل دفع فضولات، دستشویی
- قجر /qajar/: آدم‌فروش
- شِر /šer/: کلیه وسایل زندانی اعم از شخصی و غیرشخصی شامل پتو و وسایل خواب
- چَم /čam/: وسیله‌ای شبیه انبر برای مصرف مواد
- قوزون /quzun/: نفهم
- رگیل /regbel/: شپش (استعاره برای افراد کثیف)
- نَسَخ /nasax/: کسی که خماری شیشه باشد

جدول ۱. واژه‌های کوتاه‌شده در زبان زندان

معنی	صورت اصلی	واج‌نویسی	صورت کوتاه‌شده
برادر	داداش	/dāš/	دش
اشکال تراشی نکن	اشکال نیا	ʔeškel / /nayā	اشکل نیا
ریخت و قیافه	قیافه	/qi:f/	قیف
کلیه وسایل و غذاهایی که از ظرف دولت به زندانی داده می‌شود و جدا از وسایل شخصی است.	دولتی	/doli:/	دولی
حالتی که فرد معتاد در مرحله اعتیاد پیشرفته به آن دچار می‌شود به گونه‌ای که به فلاکت می‌افتد، قامتش خمیده و رمقش از بین می‌رود.	تابلو	/tabal/	تبل

کالی» به دست می‌دهد. بنابراین، می‌توان گفت که این واژه‌ها حاصل عملکرد دو فرایند واژه‌آفرینی هستند: وام‌گیری و کوتاه‌سازی.

جدول ۲. واژه‌های مرخم در زبان زندان

صورت اصلی	واج‌نویسی	صورت مرخم
اشتباه	/ʔešteb/	اشتب
پاسبان	/pās/	پاس
تلخکی (= تریاک)	/tel/	تل
قرنطینه	/qaran/	قرن
کتری	/ket/	کت
الکتريکی کارت	/ʔel kār/	ال کارت
(زندان) قزل حصار	/qezel/	قزل
کالیدور (= کُریدور = راهرو)	/kāli/	کالی
فابریک (اصلی، صمیمی)	/fāb/	فاب
افتضاح	/eftez/	افتض
دپرس (افسرده)	/dep/	دپ

فرایند وام‌گیری

در زبان زندان، وام‌واژه‌هایی را از زبان‌های انگلیسی، عربی، ترکی و لری و فرانسوی می‌توان یافت که برخی از آنها در جدول ۳ ارائه شده‌اند.

یکی از حوزه‌هایی که کاربرد فرایند کوتاه‌سازی در آن چشمگیر است، اسامی خاص افراد است. نمونه‌هایی از اسم‌های کوتاه‌شده در زبان زندان عبارتند از:

اکرم ← اکی
اسماعیل ← اسی
فریدون ← فری
ابراهیم ← ابی
فاطمه ← فاطی
اشرف ← اشی

در همه نمونه‌های پیش‌گفته پس از حذف هجا یا هجاهای پایانی واژه، واج 'i' به آن افزوده می‌شود. به گفته بوی (۲۰۰۷: ۲۱) یکی از موارد کاربرد فرایند کوتاه‌سازی در مورد اسم‌های اشخاص است که زبان‌شناسان ترجیح می‌دهند برای آن از اصطلاح «truncation» استفاده کنند. اسم‌هایی که کوتاه می‌شوند معمولاً دارای بار عاطفی بوده و نشان‌دهنده صمیمیت و علاقه نسبت به فردی است که نام او را به صورت کوتاه به کار می‌برند.

فرایند ترخیم

برخی از واژه‌های زبان زندان که توسط فرایند ترخیم ساخته شده‌اند را در جدول ۲ آورده‌ایم. در این جدول علاوه بر صورت مرخم واژه‌ها، صورت اصلی آنها را نیز نشان داده‌ایم تا مشخص شود چه بخش‌هایی از انتهای واژه حذف شده‌اند و فرایند ترخیم چگونه عمل کرده است.

همان‌گونه که در جدول ۲ دیده می‌شود، فرایند ترخیم علاوه بر آنکه در کوتاه‌سازی واژه‌های فارسی به کار می‌رود، بر روی برخی وام‌واژه‌ها مانند «فابریک، دپرس و کالیدور» نیز عمل می‌کند و واژه‌های مرخمی همچون «فاب، دپ و

جدول ۳. فهرست وام‌واژه‌های زبان زندان

وام‌واژه	واج‌نویسی	زبان وام‌دهنده	معنی
آواکس	/ʔāvāks/	انگلیسی	به‌طور کلی به اشخاص خبرچین گفته می‌شود
تل	/tal/	لری	تریاک
پاپیون (اسم خاص)	/pāpi:yu:n/	فرانسه	شخصیت اصلی در یک فیلم فرانسوی که محکوم به حبس طولانی مدت می‌شود (مثال: این حبسی که با این همه مشقت ما می‌کشیم پاپیون هم نکشیده!)
پک	/pak/	انگلیسی	بسته مواد مخدر
بیبی فیس	/beybi feys/	انگلیسی	چهره بچگانه
چیپ	/čip/	انگلیسی	کم‌ارزش، بیهوده
داف	/dāf/	انگلیسی	دختر/زن جذاب و خوش‌اندام
ریکشن	/riakšen/	انگلیسی	واکنش، عکس‌العمل
گودبای پارتی	gudbāi / /pārti	انگلیسی	مهمانی/مراسم خداحافظی
پتی	/peti:/	لری	مصرف محلول ماده مخدر در آب از طریق بینی (پت در زبان لری به معنای بینی/دماغ است)
مت	/met/	انگلیسی	شریک جنسی
ملبس	/molabas/	عربی	کسی که در هیچ شرایطی اعتراف نمی‌کند و مقاومت زیادی دارد.
بار ماخ	/bār māq/	ترکی	اثر انگشت
ری‌ست	/ri:set/	انگلیسی	هنگامی که مصرف ماده مخدر به تدریج به حدی می‌رسد که هزینه تهیه آن سرسام‌آور می‌شود و شخص هم به اصطلاح نشئه نمی‌کند، فرد معتاد ترجیح می‌دهد مدتی ترک کند با این نیت که بدنش کمی بازسازی شود و تا حدی به حالت طبیعی خود برگردد تا بعد بتواند از ماده مخدر لذت بیشتری ببرد؛ این کار را ری‌ست گویند.

فرایند آمیزش

در جدول ۴ فهرست واژه‌های آمیخته در زبان زندان ارائه شده است.

جدول ۴. فهرست واژه‌های آمیخته در زبان زندان

وام‌واژه	واج‌نویسی	واژه‌های پایه	معنی
آدیلاکس	/ʔādi:lāks/	آدیداس + لوکس	کفش ورزشی آدیداس
کاردکس	/kārdeks/	کارت + عکس	کارت عکس‌دار
لرنزو	/lorenzo/	لر + زندانی	لرهای زندان
پنگال	/pangāl/	پنجه + چنگال	استفاده از دست به جای چنگال برای غذا خوردن

وام‌گیری و سپس آمیزش.

فرایند سرواژه‌سازی

در داده‌های گردآوری‌شده از زبان زندان تنها دو مورد از

واژه «آدیلاکس» حاصل آمیزش دو واژه «آدیداس» و «لوکس» است و هر دوی این واژه‌های وام‌گرفته از زبان انگلیسی هستند. بنابراین، می‌توان گفت که «آدیلاکس» حاصل عملکرد دو فرایند واژه‌آفرینی است، یعنی ابتدا

سرواژه‌سازی یافت شد که عبارتند از:

زی‌ذی /zizi/ : زن‌ذلیل

سی‌جی /siji/ : سیگار

جدول ۵. فراوانی و درصد وقوع قرایندهای واژه‌آفرینی در زبان

زندان به تفکیک جنسیت

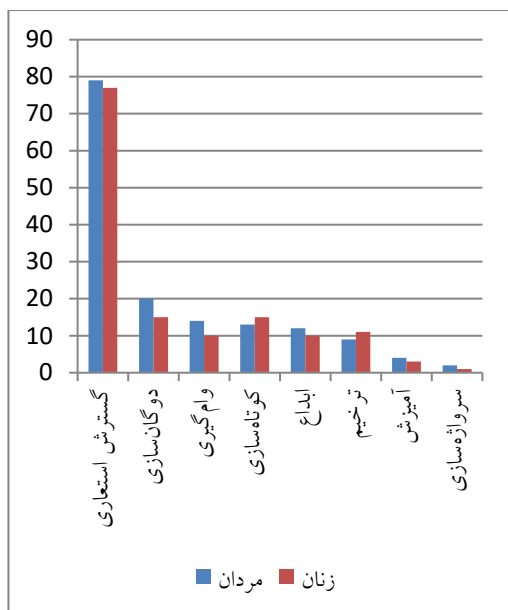
فراوند واژه‌آفرینی	مردان		زنان	
	تعداد	درصد وقوع نسبت به کل	تعداد	درصد وقوع نسبت به کل
گسترش استعاری	۷۹	۵۲٪	۷۷	۵۴٪
دوگان‌سازی	۲۰	۱۳٪	۱۵	۱۱٪
وام‌گیری	۱۴	۹٪	۱۰	۷٪
کوتاه‌سازی	۱۳	۸٪	۱۵	۱۱٪
ابداع	۱۲	۸٪	۱۰	۷٪
ترخیم	۹	۶٪	۱۱	۷٪
آمیزش	۴	۳٪	۳	۲٪
سرواژه‌سازی	۲	۱٪	۱	۱٪
مجموع	۱۵۳		۱۴۲	

ارتباط فرایندهای واژه‌آفرینی با متغیر جنسیت

پس از بررسی انواع فرایندهای واژه‌آفرینی در زبان زندان، اکنون ارتباط این فرایندها با متغیر جنسیت را مورد ارزیابی قرار می‌دهیم تا مشخص شود میان زندانیان زن و مرد در استفاده از این فرایندها چه تفاوت‌هایی وجود دارد. در جدول ۵ فراوانی و درصد هر یک از هشت فرایند واژه‌سازی را برای زنان و مردان به تفکیک نشان داده‌ایم. همان‌گونه که در این جدول دیده می‌شود، هم در میان زندانیان زن و هم زندانیان مرد فرایند گسترش استعاری بیشترین کاربرد را در ساخت واژه‌های جدید دارد و میزان کاربرد این فرایند برای هر دو جنس تقریباً یکسان است (۷۹ مورد برای مردان و ۷۷ مورد برای زنان)؛ پس از این فرایند، دوگان‌سازی دارای بیشترین کاربرد است ولی میزان رواج این فرایند در بین زنان و مردان تفاوت نسبتاً چشمگیری دارد (۲۰ مورد برای مردان و ۱۵ مورد برای زنان). بیشترین تفاوت در کاربرد فرایندهای واژه‌آفرینی به لحاظ جنسیت در مورد فرایند دوگان‌سازی دیده می‌شود و تفاوت در کاربرد سایر فرایندها چندان چشمگیر نیست.

نکته دیگری که در جدول ۵ مشاهده می‌شود این است که زندانیان مرد نسبت به زندانیان زن در گفتار خود بیشتر از همه فرایندهای واژه‌آفرینی استفاده می‌کنند به جز دو مورد: کوتاه‌سازی و ترخیم؛ که البته اگر این دو فرایند را با نگاه کلی‌تر بنگریم و ترخیم را که نوعی خاصی از کوتاه‌سازی است، فرایندی مجزا در نظر نگیریم، می‌توان گفت که زنان فقط در استفاده از فرایند کوتاه‌سازی از مردان پیشی گرفته‌اند و از سایر فرایندها در مقایسه با مردان کمتر استفاده می‌کنند.

نمودار ۱، فراوانی فرایندهای واژه‌آفرینی در زبان زندان را به صورت مقایسه‌ای برای مردان و زنان نشان می‌دهد. همان‌طور که در نمودار دیده می‌شود، وقوع این فرایندها در زبان زندانیان مرد و زن بسیار نزدیک به هم بوده و اختلاف چشمگیری میان آنها مشاهده نمی‌شود. با این حال، برای ارزیابی دقیق رابطه میان این فرایندها با متغیر جنسیت نیازمند استفاده از آزمون‌های آماری هستیم که در ادامه به آن می‌پردازیم.



نمودار ۱. مقایسه فراوانی فرایندهای واژه‌آفرینی در زبان زندان به تفکیک جنسیت

به منظور بررسی این موضوع که آیا تفاوت فراوانی فرایندهای واژه‌آفرینی در زبان زندان برای دو جنس مذکر و مؤنث معنادار است یا خیر، از دو آزمون اسپیرمن و پیرسون استفاده می‌کنیم. نتایج این دو آزمون در جدول‌های زیر آمده است.

جدول ۶. نتیجه آزمون اسپیرمن برای معناداری تفاوت

Correlations			مرد	زن
Spearman's rho	مرد	Correlation Coefficient	1.000	.843**
		Sig. (2-tailed)	.	.009
		N	8	8
	زن	Correlation Coefficient	.843**	1.000
		Sig. (2-tailed)	.009	.
		N	8	8

** . Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

جدول ۷. نتیجه آزمون پیرسون برای معناداری تفاوت

Correlations			مرد	زن
مرد		Pearson Correlation	1	.995**
		Sig. (2-tailed)	.	.000
		N	8	8
زن		Pearson Correlation	.995**	1
		Sig. (2-tailed)	.000	.
		N	8	8

** . Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

و ترکیب را فرایند واژه‌سازی به شمار می‌آورد. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که این فرایندهای واژه‌آفرینی ارتباط معناداری با متغیر جنسیت دارند و فراوانی بیشتر فرایندها در زبان زندانیان مرد بیشتر از زندانیان زن است.

یکی از یافته‌های جالب این پژوهش آن است که برخی از واژه‌های زبان زندان همزمان حاصل دو فرایند واژه‌آفرینی هستند؛ این گونه واژه‌ها به سه صورت می‌توانند ساخته شوند: (۱) عملکرد دو فرایند کوتاه‌سازی و دوگان‌سازی؛ برای نمونه می‌توان «بی‌خی‌خی» و «کرکره» را نام برد که در اثر دو فرایند کوتاه‌سازی و دوگان‌سازی ساخته شده‌اند (برای توضیح بیشتر رجوع کنید به بخش ۴-۱-۳). (۲) عملکرد دو فرایند وام‌گیری و کوتاه‌سازی؛ گاه فرایند کوتاه‌سازی روی وام‌واژه‌ها عمل می‌کند و در نتیجه واژه حاصل را می‌توان وام‌واژه‌ای کوتاه‌شده دانست که در اثر دو فرایند واژه‌آفرینی به وجود آمده است، مانند «فاب»

نتایج این دو آزمون نشان‌دهنده آن است که میزان وقوع فرایندهای واژه‌آفرینی در زبان زندانیان مرد و زن دارای تفاوت معناداری با یکدیگر است و بر این پایه، می‌توان گفت که عامل جنسیت بر وقوع فرایندهای واژه‌آفرینی در زبان زندان مؤثر است.

بحث و نتیجه‌گیری

در زبان زندان علاوه بر فرایندهای واژه‌سازی (همچون اشتقاق و ترکیب)، فرایندهای دیگری برای خلق واژه‌های جدید وجود دارد که عبارتند از: (۱) گسترش استعاری؛ (۲) ابداع (یا نوواژه‌سازی)؛ (۳) دوگان‌سازی (یا تکرار)؛ (۴) کوتاه‌سازی؛ (۵) وام‌گیری واژگانی؛ (۶) ترخیم؛ (۷) آمیزش؛ (۸) سرواژه‌سازی. بوی (۲۰۰۷) با قائل شدن تمایز میان فرایندهای واژه‌سازی و واژه‌آفرینی، این گونه فرایندها که برخلاف اشتقاق و ترکیب از قواعد و الگوهای دقیق و مشخصی پیروی نمی‌کنند را فرایندهای واژه‌آفرینی می‌نامد در حالی که اشتقاق

به‌گونه‌ای معنای هر دو وام‌واژه را دربردارد، مانند «آدیلاکس» که از آمیزش دو وام‌واژه «آدیداس» و «لوکس» ساخته شده است.

(به جای فابریک) یا «دب» (به جای دپرس).
 ۳) عملکرد دو فرایند وام‌گیری و آمیزش: گاه وام‌واژه‌ها با هم آمیخته می‌شوند و واژه جدیدی شکل می‌گیرد که

منابع

- جامعه‌شناسان.
 عبدی، عباس (۱۳۸۷). *تأثیر زندان بر زندانی: آسیب‌شناسی اجتماعی*. تهران: موسسه تحقیقاتی و انتشاراتی نور.
 مسن‌آبادی، آمنه (۱۳۹۰). *زبان زندان: نگاهی به نمودهای زبان‌شناختی در بزه‌کاران زندان‌های استان تهران و استان البرز*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز.
 نغزگوی کهن، مهرداد و راسخ‌مهند، محمد (۱۳۹۱). *دستوری‌شدگی و بسط استعاری*. پژوهش‌های زبانی، ۳ (۱): ۱۱۷-۱۳۴.
 هاشمی، پریناز (۱۳۸۸). *دیوارنوشته‌های زندان قصر*. تهران: نشر چشمه.
- رضوی، مرضیه سادات و قطره، فریبا (۱۳۹۳). *فرایندهای واژه‌آفرینی در گونه گفتاری زبان فارسی*. پژوهش زبان و ادبیات فارسی، ۳۴: ۱۶۷-۱۴۵.
 رهبر، بهزاد و مسن‌آبادی، آمنه (۱۳۹۵). *زبان زندان: تحلیل زبان‌شناختی و فرهنگ اصطلاحات*. تهران: انتشارات گیوا.
 شقاقی، ویدا (۱۳۸۹). *میانی صرف*. چاپ سوم. تهران: سمت.
 شمس، علی (۱۳۸۲). *رویکردی جدید به نظام زندانبانی: بازگشت سعادت‌مندانه*. تهران: سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، راه تربیت.
 _____ (۱۳۸۷). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی زندان (چاپ چهارم)*. تهران: انتشارات راه تربیت.
 _____ (۱۳۹۲). *آسیب‌شناسی زندان*. تهران: انتشارات
- Bondeson, U.V. (1989). *Prisoners in prison societies*. New Brunswick, NJ: Transaction Publications.
 Booi, G. (2007). *The Grammar of words: An introduction to linguistic morphology*. Oxford: Oxford University Press.
 Crystal, D. (2003). *The Cambridge encyclopedia of Language*. (2nd ed.). Cambridge: Cambridge University Press.
 Einat, T., & Einat, H. (2000). Inmate argot as an expression of prison subculture: The Israeli case. *The Prison Journal*, 80, 309-25.
 Encinas, G. (2001). *Prison argot: A sociolinguistic and lexicographic study*. New York: University Press of America.
 Green, J. (2011). *Greens dictionary of slang*. Oxford: Oxford University Press.
 Lighter, J. E. (1994). *Historical dictionary of American slang*. New York: Random House.
 Looser, D. (2004). Lexicography on the inside; Doing time in every New Zealand prison. *International Journal of Lexicography*, 171, 69-87.
 Mathew, D. (2013). Prison language: A psychoanalytic approach to the language of British young offenders in the twenty-first century. *International Forum of Psychoanalysis*, 22(2), 95-107.
 Mayr, A. (2004). *Prison discourse: Language as a means of control and resistance*. New York: Palgrave Macmillan.
 Mayr, A. (2013). Prison language. In C. A. Chapelle (ed.), *The encyclopedia of applied linguistics* (pp. 4662-4667). London: Blackwell Publishing Ltd.
 Plag, I. (2003). *Word-formation in English*. Cambridge: Cambridge University Press.
 Simelane, L. (2016). A case study of the linguistic variety of women in the Mawelawela correctional institution, Swaziland. *Linguistics and Literature Studies*, 4(2), 109-117.